به بهانه بیماری پیروز، توله‌یوز در معرض انقراض

چرا جانوران در ایران منقرض می‌شوند؟

فرزانه احمدی: «پیروز» را دیگر تقریبا همه ایران می‌شناسند؛ همان که حدود ۱۰ ماه پیش از «ایران» و «فیروز» زاده شد و در اولین روزها برادران خود را از دست داد. حالا او به نمادی از حفظ حیوانات در برابر انقراض تبدیل شده است؛ نمادی که این روزها بر تخت بیمارستان دراز کشیده و معلوم نیست زنده بماند یا خیر؛ بااین‌حال تنها پیروز نیست که در خطر انقراض و پیوستن به تاریخ قرار دارد. جانوران و حتی گیاهان زیادی در ایران و البته جهان هستند که وضعیت خوبی ندارند. حالا شاید یکی از اساسی‌ترین سؤالاتی که می‌توان پرسید، این است که چرا پیروز و دیگر حیوانات به این وضعیت دچار شده‌اند؟ چرا حیوانات و صدالبته گیاهان در معرض نابودی کامل قرار می‌گیرند؟

عکس: آزاده ترکمان، فارس

انسان متهم ردیف اول

اولین عاملی که در انقراض گونه‌ها تأثیر دارد، تخریب زیستگاه است و پس از آن و در رتبه بعدی، شکار بیشترین تقصیر را دارد. به گفته یک فعال محیط زیست و دکترای تنوع زیستی، «وقتی زیستگاه گونه‌ها تخریب می‌شود، رفته‌رفته خودشان هم از بین می‌روند. برای مثال یوز آسیایی در بخش وسیعی از آسیا زندگی می‌کرد؛ اما به‌مرور زیستگاهش از بین رفت و فقط به مناطقی در ایران محدود شد و تعداد آن کاهش پیدا کرد». انسان در ازبین‌رفتن زیستگاه حیوانات و گیاهان نقش مهمی دارد. کارشناسان مدت‌هاست درباره ازبین‌رفتن پوشش‌های گیاهی نظیر جنگل‌ها در ایران هشدار می‌دهند. روژان نظری بیماری‌های نهال‌ها، آتش‌سوزی‌های عمدتا عمدی برای تغییر اراضی، ویلاسازی، قاچاق چوب و... را از مهم‌ترین عواملی می‌داند که جنگل‌ها و گونه‌های گیاهی را در خطر نابودی قرار داده‌اند: «جمعیت انسانی در ایران ۸۵ میلیون است؛ اما نکته جالب این است که جمعیت دام به ۱۲۰ میلیون هم می‌رسد! چرای بی‌رویه دام یکی از معضلات در حفظ پوشش گیاهی است؛ چراکه دام اجازه نمی‌دهد درخت‌های جدید رشد کنند». دراین‌میان جوامع محلی مانند یک شمشیر دولبه عمل می‌کنند که هم می‌توانند در حفظ محیط زیست کمک کنند و هم با اقدامات و برداشت‌های بی‌رویه خود، محیط را از بین ببرند. به گفته نظری، در بسیاری موارد برداشت‌های بی‌رویه به دلیل فقر و تأمین نیازهای زندگی صورت نمی‌گیرد بلکه بسیاری از کسانی که به قاچاق چوب یا شکار پرندگان مهاجر مشغول‌اند، وضع مالی خوبی هم دارند. این کارشناس محیط زیست، توضیح می‌دهد که انقراض، فقط موجوداتی مانند یوز و گوزن زرد را تهدید نمی‌کند؛ بلکه موجودات زیادی هستند که در معرض نابودی کامل قرار دارند: «آتش‌سوزی جنگل‌های زاگرس یکی از دلایل ازبین‌رفتن سنجاب ایرانی است. شکار هم دلیل دیگری است که جمعیت این جانور را کاهش داده است. امروز تعداد سنجاب در زاگرس کم شده است و علاوه‌برآن این گونه برای فروش به شهرهای دیگر برده شده که برای محل جدید آن را به‌صورت یک گونه مهاجم کرده است. زنبور یکی دیگر از گونه‌هایی است که در معرض خطر قرار گرفته است. نظری نقش مردم را در این زمینه مهم می‌داند: «مردم برای به‌دست‌آوردن عسل وحشی به طبیعت می‌روند و با این کار زنبور عسل را در معرض خطر انقراض قرار داده‌اند». موجودات دیگری هم هستند که او نام می‌برد: «ماهی کور که زیستگاه آن در غارهای لرستان و خوزستان است، ماهی حساسی است. حضور گردشگر در آن مناطق، باعث محدودشدن زیستگاه و آلودگی ناشی از زباله و کاهش جمعیت این نوع ماهی می‌شود. سمندر لرستانی هم زیستگاهش در این دو شهر است و در خطر قرار دارد. گاهی حتی دیده شده که این جانور را در سفره هفت‌سین قرار می‌دهند! موجودات دیگری مانند فوک خزری، لاک‌پشت پوزه عقابی و گربه شنی هم در معرض انقراض‌اند که درباره آن کمتر صحبت شده است. زیستگاه‌های آنها به دلیل تغییر کاربری اراضی، ویلاسازی و گسترش شهرها در معرض خطر قرار گرفته‌اند».

انقراض موجودات از جنگل تا دریا و بیابان

به گفته نظری لیست بلندی از موجودات در خطر انقراض وجود دارد که نامی از آنها در میان نیست، تعدادی از آنها در دریاها و تالاب‌ها قرار دارند: «زنجیره حیات به هم وصل است. فیتوپلانکتون‌ها که ریزترین موجودات دریایی هستند و بیش از ۶۰ درصد اکسیژن جهان را تولید می‌کنند، در معرض خطر انقراض قرار گرفته‌اند». نظری ادامه می‌دهد: «خطر آلودگی دریا و سدسازی‌ها فیتوپلانکتون‌ها را در خطر قرار داده‌اند. آب‌شیرین‌کن‌ها هم در این موضوع نقش داشته‌اند و اکوسیستم جوامع دریایی را به هم ریخته‌اند». تالاب‌های زیادی هم در ایران یا خشک شده‌اند یا به سمت خشک‌شدن پیش می‌روند. ازجمله این تالاب‌ها، هامون است که از خارج از ایران تهدید و به خشکی دچار شد، طبق گفته این دکترای تنوع زیستی: «افغانستان سد کمال‌خان را بر روی هیرمند احداث کرد. اکنون هم درحال احداث سد بخش‌آباد بر روی فراه رود است، منبع تغذیه هامون این دو رود بود و این سدها خشکی هامون را به دنبال داشته و خواهد داشت. خشکی هامون هم باعث ازبین‌رفتن حیوانات و گیاهان در این منطقه شده، برای مثال گاومیش‌هایی در آن وجود دارد که منبع درآمد مردم بود و اکنون درحال ازبین‌رفتن هستند». خشک‌شدن تالاب‌ها همچنین پرندگان را در معرض خطر قرار می‌دهد. یکی از پرندگانی که نام آن را زیاد شنیده‌ایم، درنای سیبری است که در معرض انقراض قرار دارد. نظری به بیابان‌ها هم اشاره می‌کند: «در بیابان‌ها هم گونه‌هایی مانند مارها و نوعی موش در معرض خطرند که جاده‌سازی‌ها، حضور آفرودها و مالچ‌پاشی بر زندگی آنها تأثیرگذار بوده است. حتی بوته‌ها ممکن است زیستگاه چند حشره باشد و مالچ‌پاشی باعث ازبین‌رفتن آنها می‌شود».

گونه‌های گیاهی در خطر نابودی هستند

توجه به موضوع انقراض جنبه‌های دیگری هم دارد. سرپرست دفتر آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور گفت: «تمرکز بیش از اندازه بر یک گونه می‌تواند باعث شود سایر گونه‌ها مورد بی‌توجهی قرار بگیرند. برای مثال اگر فقط یوز ایرانی نجات پیدا کند، این موجود زنده بماند و چه غذایی را بخورد؟». یوسف مرادی تأکید کرد: «ایجاد تعادل میان گونه‌های مختلف، موضوع مهمی است. موجودات زنده به‌صورت یک زنجیره به هم متصل‌اند و در پایین‌ترین بخش زنجیر گونه‌های گیاهی وجود دارند. اگر برای مثال یوز نجات پیدا کند اما گونه‌های گیاهی که طعمه‌های یوز را تغذیه می‌کنند، از بین بروند، تلاش شما بی‌ثمر است». به گفته این مدیر دولتی، ایران در صد سال گذشته حدود هشت میلیون هکتار از جنگل‌هایش را از دست داده است و اگر این جنگل‌ها نجات داده نشوند، تنوع زیستی کشور در بخش‌های گیاهی و جانوری تا حد زیادی از دست خواهند رفت: «پلنگ را نمی‌توان در بیابان نگه داشت و نیاز به تغذیه از بز کوهی دارد، بز کوهی هم نیاز به پوشش گیاهی دارد». او هم به سنجاب ایرانی اشاره می‌کند: «سنجاب گونه دیگری است که بازار آن در تهران و شهرهای دیگر به‌عنوان حیوان خانگی گرم است. سنجاب‌های زاگرس سر از خانه‌ها درمی‌آورند». او به موضوع مهمی اشاره می‌کند: «مسئله مدیریت پسماندها هم موضوع دیگری است که تعادل زیستی را در طبیعت کشور به هم ریخته است. در زاگرس پسماندها مدیریت نشده است و این موضوع باعث شده تعداد بعضی گونه‌ها مانند کلاغ افزایش بیابد. وقتی گونه‌ای زیاد شود گونه‌های دیگر را از بین می‌برد. کلاغ تخم دارکوب را می‌خورد و به همین دلیل از تعداد این‌گونه کم شده است. کار دارکوب حجامت درخت‌های بلوط است و اگر دارکوب این کار را نکند، کرم و پروانه بلوط‌خوار و به‌طورکلی آفت درخت زیاد می‌شود و این آفت‌ها بلوط را خشک می‌کند». به گفته مرادی: «ما در ایران سالانه ۴۰۰ میلیارد مترمکعب بارش داریم که ۲۷۰ میلیارد مترمکعب از آن تبخیر می‌شود و فقط ۱۳۰ میلیارد مترمکعب باقی می‌ماند. این میزان هم عمدتا به دلیل وجود جنگل تبخیر نمی‌شوند. اگر پوشش جنگلی زاگرس از بین برود، رودی باقی نمی‌ماند و بعد از آن سایر گونه‌های جانوری و حتی انسان هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اگر زاگرس نباشد، رودها نیستند، اکسیژن حاصل از آن هم دیگر نخواهد بود و ریزگردهایی که از غرب کشور وارد می‌شود، بخش‌های زیادی از کشور را در بر می‌گیرد». مرادی بیان می‌کند: «در جنگل‌ها توسعه بی‌خردانه باعث ازبین‌رفتن گونه‌های گیاهی شده است، برای مثال عبور ۱۰ هزار کیلومتر لوله گاز از بین جنگل‌های زاگرس تعداد زیادی درخت در این منطقه را از بین برده است. درحالی‌که این خط لوله باید از دامنه شرقی زاگرس منتقل عبور می‌کرد، برای کاهش هزینه‌ها از وسط جنگل عبور داده شد. حتی طبق قرارداد، باید به ازای هر درخت بلوط سه درخت کاشته شود، اما مسئولان این پروژه بعد از گذشت ۳۰ سال از احداث خط لوله بگویند کدام درخت را در این منطقه کاشته‌اند؟». موسیر از گونه‌های گیاهی در معرض خطر است که بسیاری از مردم از این موضوع بی‌اطلاع هستند. مرادی می‌گوید دراین‌باره هشدار داده شده است: «سازمان منابع طبیعی در منطقه زاگرس درباره چیدن موسیر به‌عنوان یک گیاه در حال انقراض هشدار داده است، اما دیده می‌شود که در فصل برداشت، از کردستان تا یاسوج در حوزه جنوبی زاگرس بازار فروش گیاهان دارویی وجود دارد و مردم به توصیه‌ها درباره جلوگیری از کندن گیاهان کوهی توجهی ندارند. خرس، بز کوهی، پلنگ، سنجاب و... وقتی دچار بیماری می‌شوند، از این گیاهان برای بهبود خود استفاده می‌کنند». به گفته او، بیش از هشت‌هزار گونه گیاهی در منابع طبیعی ایران وجود دارد و کشور ما از ۱۳ اقلیم جهان، ۱۱ اقلیم را دارد؛ به همین دلیل گونه‌های گیاهی و جانوری در ایران بسیار متنوع هستند.

نابودی گیاه و جانور به جنگل‌های شمال رسیده است

سرپرست دفتر آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور بیان کرد: «در فریدونکنار برای پرندگان مهاجر دامگاه ایجاد می‌کنند. باید به داد این پرنده‌ها برسیم». مرادی تأکید می‌کند: «سالانه چند میلیون پرنده مهاجر به ایران می‌آید، اما ایران به‌عنوان سیاهچاله این پرنده‌ها عمل می‌کند، یعنی پرنده‌هایی مانند غاز، اردک و قو در اینجا شکار و مصرف می‌شوند. در جامعه محلی استفاده از پرندگان مهاجر به‌عنوان یک غذای افتخارآمیز و لوکس به حساب می‌آید». مدیریت پسماندها در هیرکانی موضع دیگری است که تنوع زیستی در این بخش از کشور را تهدید می‌کند. به گفته او، ارتفاع پسماندها در سراوان به بیش از صد متر رسیده است که به دنبال آن گراز و کلاغ در این منطقه زیاد خواهد شد. عقاب‌ها در این منطقه برای به‌دست‌آوردن غذا تنبل می‌شوند و به دنبال آفت نخواهند گشت. درواقع زیست این پرندگان تغییر کرده است.

سگ‌های ولگرد آفت دیگری برای محیط زیست

سرپرست دفتر آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور اعلام می‌کند: «سه میلیون سگ ولگرد در کشور وجود دارد و این در بحث تنوع زیستی بسیار خطرساز است. سگ‌ها در هر زایش تا ۱۰ توله به دنیا می‌آورند و می‌توانند با بقیه حیوانات ازجمله گرگ آمیزش کنند. سگ‌ها معمولا ترسی از درگیری با گونه‌های دیگر ندارند. اکنون در اطراف پسماندهای جزیره هرمز سگ‌های زیادی جمع شده‌اند و این برای گونه‌های دیگر و انسان‌ها خطرساز است».

برای نجات موجودات در حال انقراض چه کنیم؟
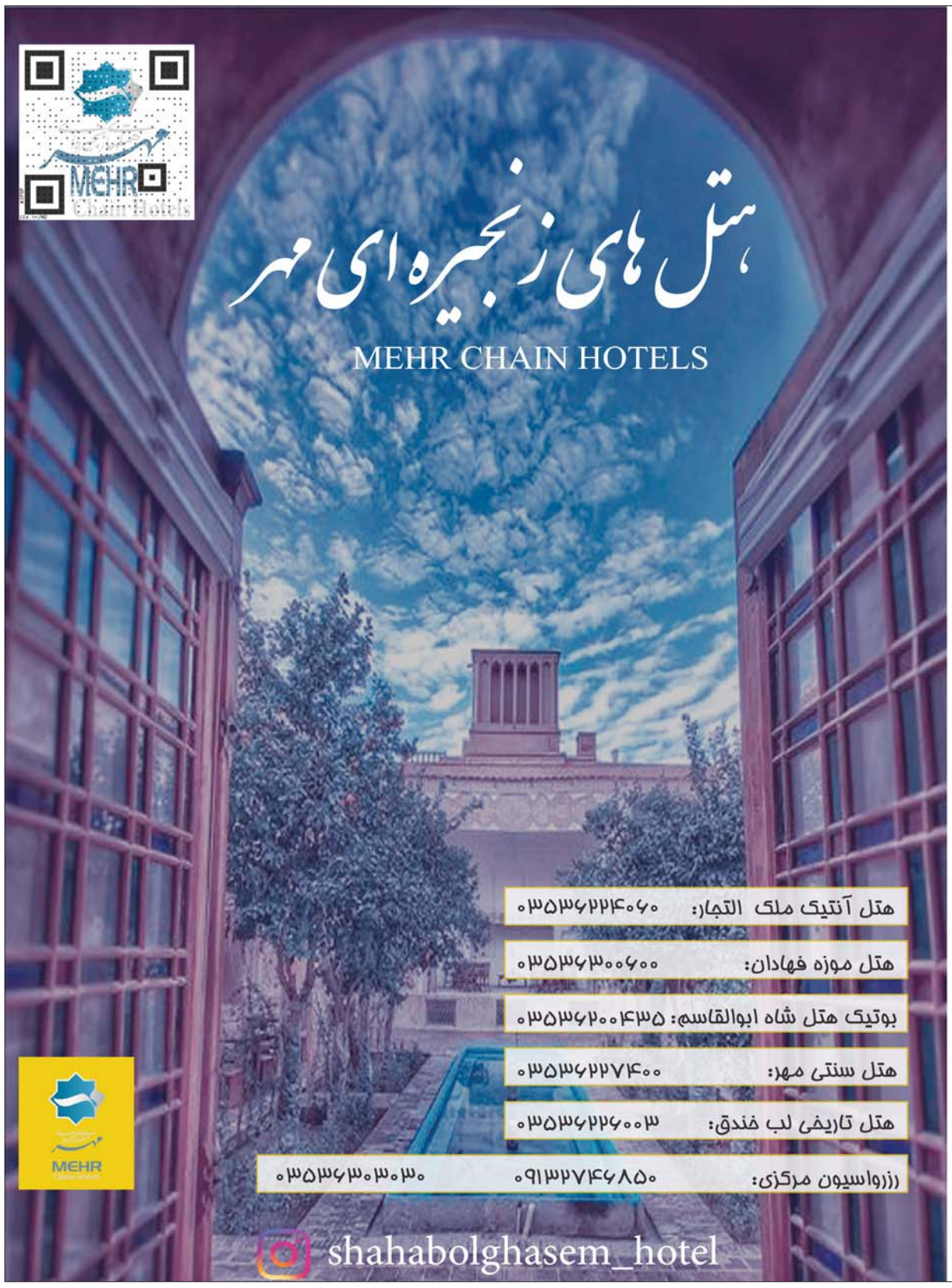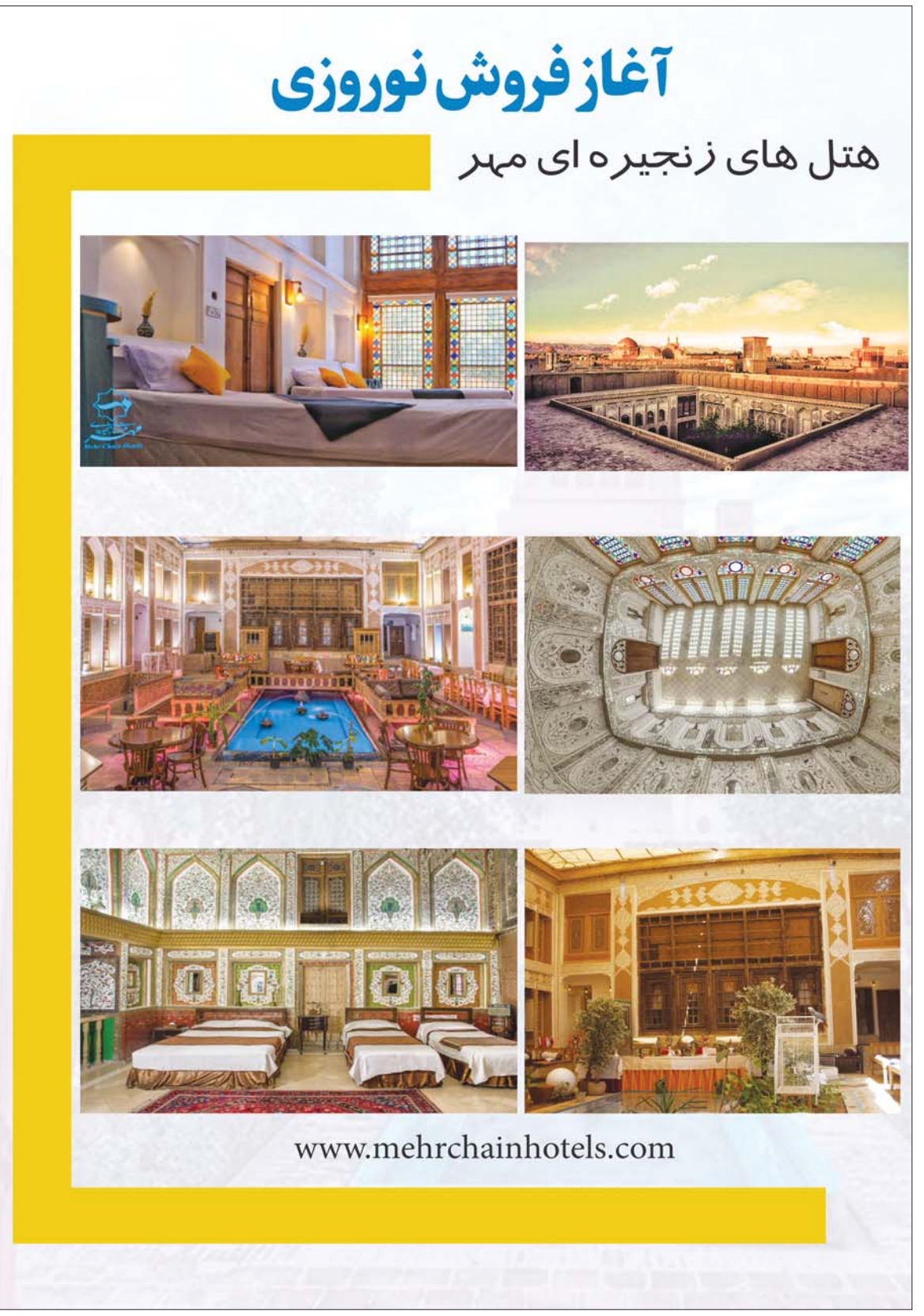
نظری آموزش را به‌عنوان یک راه‌حل عنوان می‌کند: «آموزش می‌تواند در این زمینه بسیار کمک‌کننده باشد. مصرف‌گرایی باعث زیادشدن شکار شده است؛ چراکه مواردی مانند چرم از حیوانات به دست می‌آید». به گفته او باید درباره بحث عدالت زیستی در محیط زیست مردم را آگاه کنیم؛ چراکه ارزش حیات گونه‌های زیستی الزاما به دلیل فایده آنها برای انسان نیست و این موجودات به خودی خود ارزشمند هستند و باید به حضور تمام گونه‌ها احترام بگذاریم. چون انسان شعورمند است به این معنا نیست که باید با گونه‌های دیگر به‌عنوان یک وسیله رفتار کند. توصیه او این است که: «باید روی درخت‌داری سرمایه‌گذاری کنیم. درخت‌ها را به دلایل گوناگون از بین می‌برند و وعده می‌دهند که نهال می‌کاریم، اما معمولا درختی کاشته نمی‌شود. درواقع درخت‌های ۷۰۰، ۸۰۰ ساله را که مانند الماس ارزشمند هستند، قطع می‌کنند تا نهال بکارند، تازه همان نهال‌ها هم کاشته نمی‌شود یا به وسیله دام از بین می‌رود». مرادی هم توصیه‌های دیگری دارد: «باید تمام جنگل‌هایی را که در صد سال گذشته تخریب شده است، بازیابی کنیم. راهی جز این کار نداریم. زاگرس به‌شدت پیر شده است و وقتی یک منطقه جنگلی پیر می‌شود، آغوش خود را به روی مرگ باز می‌کند. ما باید به داد شش میلیون هکتار جنگل زاگرس برسیم. ما در حوزه هیرکانی نیاز به جنگل‌بانان زیادی داریم. علاوه بر آن نیاز به جذب مشارکت مردم محلی داریم تا جامعه هیرکانی را به سمت کاشت ببریم». وی تأکید می‌کند: «مرکز آموزش سازمان محیط زیست باید در این زمینه ورود کند و حتی کتاب آموزشی برای مدارس در این مناطق تهیه شود. سال قبل گفته شد بازار فریدونکنار بسته شده است، اما الان مردم سر خیابان بازارها را ایجاد می‌کنند و یک شبکه تلفنی گسترده دارند. باید استفاده از این پرنده‌ها به‌صورت یک امر ناپسند در مناطق شمالی دربیاید. محلی‌ها باید در این منطقه در زمینه گردشگری فعال شوند تا شکار نکنند». به گفته او، در برزیل ۴۰ میلیون هکتار مرتع وجود دارد و این کشور گوشت تمام کشورهای مسلمان را تأمین می‌کند، اما در ایران با وجود ۸۰ میلیون هکتار مرتع، نه‌تنها نیاز به واردات گوشت وجود دارد بلکه همین مراتع هم درحال نابودی است. این نشان می‌دهد باید در زمینه مراتع مدیریت صورت بگیرد. مرادی می‌گوید از ۱۳۰ میلیارد مترمکعب آبی که از بارش‌ها در کشور باقی می‌ماند، ۹۰ میلیارد مترمکعب آن در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. درحالی‌که ما باید میزان مصرف آب در کشاورزی باید به ۳۰ تا ۵۰ میلیارد برسد.